

## بسم الله الرحمن الرحيم

### آیات الولایه

#### آیه بیست و چهارم - سوره مبارکه آل عمران - آیه شریفه ۱۰۳

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَادْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

همانا کسانی که ایمان آورده و عمل های شایسته کرده اند ، به زودی خدای رحمان برای آنها دوستی و محبتی ( در دل های فرشتگان و مؤمنان در دنیا و آخرت ) قرار می دهد.

#### تفسیر اثنی عشری:

نکته: حبل در لغت، به معنی ریسمان، و در اصطلاح اهل معانی، بیان «استعاره» است به جهت آنکه تمسک به آن، موجب نجات است از چاه ضلالت، چنانچه تمسک به ریسمان، سبب سلامتی از چاه هلاکت است و وثوق و اعتماد برآن (ترشیح مجاز) است برای اعتصام

بیان: مفسرین را در آیه شریفه اقوالی است نسبت به حبل الله: ۱ مراد دین الهی، که اسلام است

۲ قرآن، چنانچه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در ذیل خطبه ای فرماید: وعلیکم بکتاب الله فانه الحبل المتین و النور المبین و الشفاء النافع و الری النافع و العصمة للمتمسک و النجاة للمتعلق (الخ) و بر شما باد عمل کردن به کتاب خدا که قرآن است پس به درستی که قرآن، ریسمانی است محکم و استوار، و نوری است به غایت آشکار، و شفادهنده ایست با فایده از مرض روحی و جسمی، و سیراب کننده ای است تشنگی نشاننده، و نگاهدارنده ای است برای تمسک کننده

و نیز در عیون اخبار الرضا صدوق رحمه الله از حضرت رضا علیه السلام مروی است که فرماید: هو حبل الله المتین و عروته الوثقی و طریقته المثلی المؤدی الى الجنة و المنجی من النار (الخ) قرآن ریسمان محکم خدا است و دستاویز مستحکم او است، که تمسک و توسل، به قرآن، سبب نجات از تمام آفات روحانی و جسمانی و دنیوی و اخروی است و مشتمل است شریعت خدا را که افضل از جمیع شرایع است، می کشاند پیروان خود را به بهشت و نجات دهنده است از آتش جهنم

۳ مراد، حضرت رسالت است صلی الله علیه و آله و سلم، یعنی همه اجتماع کنید در تمسک به متابعت آن حضرت تا سعادت را دریافته باشید

۴ مراد، تمسک به ولایت ائمه معصومین علیهم السلام:

۱ ابو سعید خدری از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت نموده: ایها الناس قد ترک فیکم الثقلین ان اخذتم بهما لن تضلوا بعدی، احدهما اکبر من الآخر کتاب الله حبل ممدود من السماء الى الارض و عترتی اهل بیتی، الا و انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض ای گروه مردمان، به تحقیق گذاردم در میان شما دو ریسمان، اگر بگیرید هر دو را به تمسک، هرگز گمراه نشوید بعد از من: یکی از آن دو اکبر است از دیگری کتاب خدا ریسمانی است ممدود از آسمان به زمین، و دیگر عترت من اهل بیت من آگاه باشید به درستی که این دو هرگز جدا نشوند از هم تا وارد شوند در حوض کوثر بر من

۲ ابن عباس روایت نموده که خدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بودیم اعرابی آمد، گفت: شنیدم فرمودی: و اعتصموا بحبل الله، پس چیست حبل الله که ما تمسک جوئیم؟ حضرت دست به شانه علی علیه السلام زد فرمود: تمسک به این نمائید، او است حبل المتین ۳ در امالی صدوق رضوان الله علیه و تفسیر ثعلبی از حضرت صادق علیه السلام فرمود: نحن حبل الله الَّذی قال الله و اعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا؛ دو دسته دسته نشوید و متفرق نشوید از طریق حق به وقوع خلاف میان شما مانند اهل کتاب، بلکه متفق الکلمه و مجتمعا اقدام نمائید بر ایمان و ثبات در طاعت الهی و ترک عصیان ۱ و متفرق نشوید از هم مثل تفرق شما در جاهلیت که محاربه و مقاتله می نمودید با یکدیگر ۲ ذکر چیزی نکنید که موجب تفرق و سبب زوال محبت و الفت شما شود

۳ مراد تفرقه در ولایت است، چنانچه انس بن مالک روایت نموده از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود: بنی اسرائیل هفتاد و یک فرقه شدند که یکی از آنها نجات یافته و هفتاد فرقه دیگر در دوزخ هستند، امت عیسی بعد از او هفتاد و دو فرقه شدند که یک فرقه ناجی و بقیه در جهنم می باشند؛ و امت من هفتاد و سه فرقه، و همه به جهنم روند، مگر یک فرقه، عرض کردند کدام فرقه؟ دست به شانه حضرت علی علیه السلام گذاشت، فرمود: این شخص و اولاد و اتباع او؛ بعد آیه شریفه تلاوت فرمود: وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا ۴ تفسیر برهان علی بن ابراهیم قمی رضوان الله علیه از حضرت باقر علیه السلام روایت نموده در آیه وَ لَا تَفَرَّقُوا قال: ان الله تبارک و تعالی علم انهم سیفترقون بعد نبیهم و یختلفون فنهاهم عن التفرق کما نهی من کان قبلهم فامرهم ان یجتمعوا علی ولایة آل محمد علیهم السلام و لا یتفرقوا فرمود: به درستی که خداوند تبارک و تعالی دانا بود که ایشان بزودی تفرقه شوند بعد از پیغمبرشان و اختلاف کنند پس نهی فرمود آنها را از تفرق، چنانچه نهی نمود کسانی که پیش از ایشان بودند پس امر فرمود که مجتمع شوید بر ولایت آل محمد علیهم السلام و متفرق نشوید

وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ؛ نو یاد بیاورید نعمتهای خدا را که بر شما لطف فرموده، و از جمله آن هدایت و توفیق و تمسک به دین اسلام است که در نتیجه، زوال غل و غش، و ایجاد الفت گردد، چنانچه فرماید: اِذْ كُنْتُمْ اَعْدَاءً؛ وقتی که بودید شما دشمنان یکدیگر در زمان جاهلیت، فَالْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ؛ پس تألیف فرمود خدا میان قلبهای شما محبت را به واسطه برکت کلمه توحید و اسلام، و رفع تنازع نمود از میان شما به میمنت حضرت سید الانام صلی الله علیه و آله و سلم، فَاصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ اِخْوَانًا؛ پس گشتید به رحمت الهی برادران یکدیگر، یعنی برادران دینی یکدیگر شدید و منتظم و مرتبط به هم، به سبب یک خدا و یک پیغمبر و یک کتاب و یک شریعت، وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ؛ نو بودید شما به واسطه ضلالت و جهالت بر کنار گودالهای آتش، یعنی مشرف بر وقوع در آتش جهنم به جهت کفر، زیرا اگر در حال کفر مرگ به شما می رسید، هرآینه در جهنم مخلد بودید به عذاب فَانْقَذَكُمْ مِنْهَا؛ پس نجات داد شما را خداوند از آن حفره های آتش به برکت اسلام و ایمان، كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ؛ همچنین بیان فرماید خدا برای شما دلایل وحدانیت خود را و مبین و آشکارا فرماید حجج بینة دین حق را، لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ؛ برای اینکه هدایت یابید و قبول نمائید دین حق را

نکته: این کلام در معنی تعلیل است، یعنی به جهت اراده ثبات شما بر هدایت و ازدیاد لطف بر شما، این آیات را نازل فرمود

تنبیه: آیه شریفه آگاهی است به عموم مسلمانان در هر عصر و زمان، در اعتصام به حبل الهی به هیئت اجتماعی، و تحذیر است از تفرقه و اختلاف، و تذکر به رفع عداوت و خصومت از میان آنان به برکت اسلام، و ایجاد اتحاد و اخوت به سبب کلمه توحید و ایمان؛ پس نعمت عظیمی را خداوند منان به لطف و مرحمت خود به مسلمانان عطا فرموده که باید خیلی حق شناسی و قدردانی نمود بنابراین شایسته و سزاوار نیست که پس از اتحاد و الفت، موجبات افتراق و اختلاف به جهت اغراض شخصی فراهم، و اخوت به خصومت مبدل شود حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه در ذیل خطبه ای در مذمت اختلاف فرماید: اللهم واحد و نبیهم واحد و کتابهم واحد أ فامرهم الله سبحانه باختلاف فاطاعوه ام نهاهم عنه فعصوه؟ ام انزل الله دینا ناقصا فاستعان بهم علی اتمامه؟ (الخطبة)

و حال آنکه خدای ایشان یکی است و پیغمبرشان یکی است و کتاب ایشان یکی است (این کلام صریح است بر آنکه قول حق یکی و اهل حق یکی است) آیا پس امر فرموده است خدای سبحان ایشان را به اختلاف، پس اطاعت خدا نموده اند در آن حکم یا نهی فرموده آنها را از اختلاف، پس نافرمانی کرده اند یا نازل فرموده خدا دینی که ناتمام است، پس یاری خواسته به ایشان بر تمام گردانیدن آن

منبع: پایگاه های اطلاع رسانی امام علی سلام الله علیه، تدبر، حرم حضرت امیرالمومنین سلام الله علیه، تبیان، تفاسیر و...

معاونت فرهنگی تربیتی

مرکز آموزش های غیرحضوری حوزه های علمیه خاهران

<http://vufarhangi.whc.ir/>